

و کافی نشان داد، حتی
پسرش که بعد از وی
بر تخت نشست مثل
پدرش لایق و کافی بوده
است .

در زمان فتح نرماند
تمدن عربی در جزیره
سیسیل بدرجه کمال
بوده است . رژر و
جانشینان او از هوش
و قابلیت که داشتند پی
بفضیلت مسلمین برده
اصول و نظامات
آنان را سر مشق
ترقی خود قرار

(۱۴۷) . منظره داخلی قلعه سیزه

دادند و از مسلمین کاملاً سر پرستی نموده از این راه کشور را آباد و معمور ساختند
و آن بهمین حال باقی بود تا وقتی که پادشاهان سواب در سال ۱۱۹۴ میلادی وارد
جزیره شده مسلمین را از آنجا خارج ساختند .

زمانیکه رژر شروع با اصلاحات و انتظام امور کشور نمود اهالی سسیل بمثل پنج
گانه ذیل منقسم میشدند که از حیث زبان و رسوم و عادات باهم اختلاف داشته اند:
اون - فرانک (که در آن نرماند و برتون هر دو داخل بودند) دوم - یونانی سوم - لنگبارد

چهارم یهود، پنجم عرب، هر يك از ملل مزبور دارای آئین مخصوصی بودند. مثلا یونانیان عمل بقانون ژوستینین مینمودند. انگبارد دارای شریعت و آئین مخصوص بوده و نرماند ها پایبند قانون فرانسه و عرب تابع قرآن بوده است. برای سازمان (تشکیل) حکومت واحده قراردادن این اقوام مختلفه را تحت يك حکومت، لازم بود که حکومت وقت منتها درجه نساھل مذهبی و بردباری و انصاف را دارا باشد.

همچنانکه مسلمین باین نکته کاملا آشنا بودند و ژر هم بآن پی برده و چون فضایل علمی و فنی درسیسیل اختصاص بمسلمین داشت لذا ژر از ایشان بطور خاصی حمایت و قدر دانی مینمود. اکثر نامه ها و فرامین در زبان عربی و یونانی و لاتینی نوشته میشد، حتی روی سکه عبارتی را که نقش مینمودند نصف آن عربی و نصف دیگر یونانی و لاتینی بوده است و روی بعضی علامت صلاب و بعضی دیگر نشان اسلام و در بعضی از سکه ها هر دوی این نشانها منقوش بوده است.

جانشینان ژر هم از او پیروی نموده و بطریق مذکور عمل میکردند. میوم دوم زبان عربی تحصیل کرده در کارهای مهم سلطنتی بمسلمین مراجعه مینمود. مسلمین هم در مقابل این قدر دانی ابراز صمیمیت نموده و در دوره ژر داخل نظام شده و زیر پرچم او صمیمانه خدمت کرده در مقابل دشمنان وی جانشانی نمودند.

مورخین مینویسند که در سال ۱۱۸۴ میلادی یعنی یکقرن بعد از سقوط سیسیل مسلمین بکثرت در آنجا سکونت داشتند آنها در پالرم دارای چندین کوی (محله) بزرگ بودند و در این کوی ها مساجد زیاد و امامه موجود بوده و بکفر مقتدی هم وجود داشته که شفاش فتوی بوده است و از دوات وجود آنها بود که در بار سیسیل نهایت شکوه و جلال را دارا بوده چنانکه ابوالفدا سلاطین آنجا را با خلفای بغداد و قاهره همدموش قرار داده است.

فصل دوم

تمدن اسلامی درسیسیل

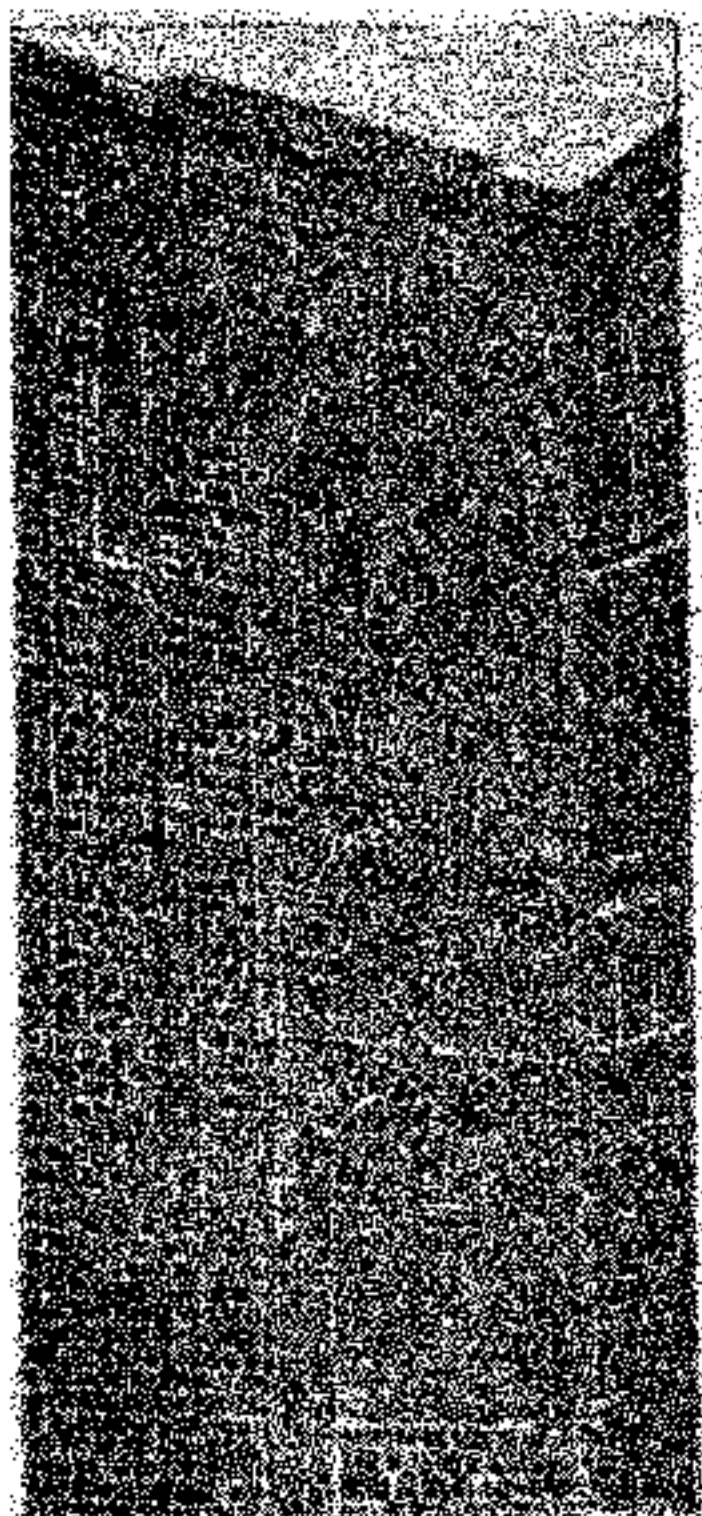
اگر چه موادی که از آن بتاران راجع بتمدن عرب در جزیره سیسیل زمینهای بدست آورد خیلی محدود و جز يك رشته بیانات مورخین متفرقه و نیز آثار چندی که از

باب هفتم - حکومت اسلامی در جزیره سبیل ، ایتالیا ، فرانسه

تطاول ایام محفوظ مانده با مقداری از مسکوکات چیز دیگری در دست نیست لیکن از همین ها هم ثابت میشود که این تمدن در آن جزیره اگر چه بیای تمدن مصر و اندلس نمیرسید ولی معهذایبشرفت هائی نموده که بسی قابل توجه بوده است. در دور ما اعراب وضعت سبیل از نظر علمی و فنی و نیز اخلاقی به مراتب بهتر و بالا تر از دوره های بعد بوده است. برای بدست آوردن میزان و درجه برتری بکن تمدن باید دید با جانب یعنی اقوام بیگانه از آن تمدن فایده که رسیده چیست ؟ چنانکه ما این تمدن را از نظر مزبور ملاحظه کنیم آنوقت قدر و مقام آن معلوم میشود چه اندازه است.

مسلمین بعد از فراغت از فتح جزیره بلافاصله شروع با اصلاحات و انتظامات نمودند ، از زمان کارناژ جزیره مزبور بدو قسمت تقسیم میشد. یکی قسمت سیرا کوز و دیگر پالرم ولی اعراب آنرا به حوزه تقسیم نمودند که از روی قواعد جغرافیائی نهایت درجه درست هم بوده است. در هر حوزه که دارای چندین ولایت بود بکنفر والی حکومت مینمود و در تحت او بخش دار و فرماندارانی قرار گرفته بودند. در خود پالرم بکنفر مفتی بوده و در هر ولایتی بکنفر قاضی و زیر دست او بکنفر منشی هم وجود داشته است. در هر شهری بکنفر امین دارائی (رئیس مالیه) و مجلس بزرگی وجود داشت که آنرا دیوان مینامیدند و این دیوان وظیفه اش مراقبت و نظارت در درآمد و هزینه کشور بوده است.

نصاری در اموری که مربوط بقوائد و منافع عمومی کشور نبود از روی آئین و یا قوانین فرمان داران خود عمل می نمودند ، دادگاهها و حکام جنائی قدیمه یونان که آنها را (استراتیج) مینامیدند تا آنوقت بر قرار بود ، نه تنها فرایض و حقوق ایشان مثل سابق محفوظ مانده بلکه نام آنان هم ابدأ تغییر نکرده و آنها قضایا و دعوا هائی را که بین خود نصاری رخ میداد حل و تسویه میکردند. علاوه جزیره ای را که اعراب مقرر کرده بودند وصول مینمودند و این جزیره در متمولین و اغنیا چهل و هشت دینار و در متوسطین بیست و چهار و در مزدور و کارگران دوازده دینار بود و این در مقابل مبلغیکه یونانیان با اسم مالیات در بسافت میداشتند خیلی کم بوده است. رهبانان و نیز زنان و



(۱۴۸) - خصوصیات معماری یکی از
نماهای بنا مسلمین قوبج در سیبیل

اطفال از هر نوع عوارض مالیاتی معاف بوده اند و آنچه مربوط بقانون مدنی مانند: ارث، ملك، معاملات و غیرها بود طوری آنها را مطابق رسوم کشور تنظیم کرده بودند که حتی بر ماندها باالترام از روی آن عمل مینمودند. نصاری در حکومت عرب در مذهب و قانون و رسوم و آداب خود کلاً آزاد بودند. **سگردن** (۱) راهب که قیس کلیسای سنت کاترین دوپالرم (۲) بود مینویسد: کشیشان آزاد بودند که لباس رسمی مذهبی خود را پوشیده برای تسلیت و دلداری بیماران حرکت کنند، قیس دیگر موسوم به - **موروکلی** (۳) نقل میکند که در مسین ایام رسمی مذهبی دو پرچم بر میافراشتند یکی مال مسلمین بشکل برج سیاهی روی زمینه سبز و دیگری مال مسیحیان بشکل صلیب طلائی روی زمینه قرمز.

تمام کلیساهائی را که در ایام فتح موجود بودند باقی گذاشتند اما در اینجا مثل اندلس نصاری اجازه نداشتند که کلیساهائی از نو بنا نمایند. مسلمین که بر جزیره استیلا پیدا کردند کشاورزی (زراعت) و هنر شروع بترقی نمود، نواقص و خرابی های موجوده را در اندک زمانی ترمیم و اصلاح نمودند. پنبه، نیشکر، زیتون و درخت زبانت گنجشک را از خارج طلبیده کشت کردند.

۱- Corradin. ۲- Sainte-Catherine de Palerme ۳- Mourocoli :

يك رشته مجراها و نهرهائی احداث نمودند كه هنوز باقی میباشد از جمله مجرائی بوده كه آب آن بوسیله شتر گاو داخل نهر میشود كه قبل از مسلمین چنین چیزی وجود نداشت.



حرفت و هنر هم ترقی کرده و نقی بسزا حاصل نمود. كان های کشور از قبیل كان نقره ، آهن ، مس ، گوگرد ، سنگ مرمر و سماق را بانهایت اهتمام و از روی قواعد صحیح استخراج



میکردند . پارچه های حریر خیلی قشنگ میبافتند ، در نور مبرك يك رداء ابریشمی مال سلاطین سسیل هنوز موجود است كه در آن كتیبه ای بخط كوفی نقش شده است و تاریخ آن پانصد و بیست هجری مطابق سال ۱۱۳۳ میلادی میباشد و چنین معلوم میشود كه فن رنگرزی از سسیل با اروپا آمده است

(۱۴۹-۱۵۱) سكه های
اعراب مسیعی از شاهان
نرماند در سسیل

تجارت كه قبل از اعراب بدرجه صفر بود نهایت درجه وسعت پیدا نمود و ثبوت آن قوانین مختلفه كمر کی است كه در زمان آنها جاری بوده و يك فهرستی از آن در نامه های اوایل فتوحات نرماند موجود میباشد و از مجموع آنها میتوان معلوم داشت كه زمان فتح نرماند تجارت سسیل تا چه درجه رونق داشته است .

حالیه در سسیل آثار خیلی کمی از مسلمین باقیمانده كه از جمله قصر مشهور ضیزه و قویع است كه قریب به پالرم واقع میباشد و از مشاهده آن معلوم میشود كه مورخین قدیم در توصیف و بیان شكوه و جلال عمارات آنجا مبالغه نكرده اند . در تعریف قصور مذكوره تئودور راهب و نیز ادريسي جغرافی دان معروف شرحی نوشته اند و در باب سنگهای مرمر گران بهاء این قصور و خستام کاری عالی كه در آنها بعمل آمده و نیز باغها و بساتین قشنگ حیرت انگیزی كه در آن زمان تربیت نموده بودند شرح مفصلي نگاشته اند . راهب نامبرده چون در سال ۸۷۸ میلادی در محاصره سیراكوز اسیر شده و پرا پالرم فرستادند و مدتی در آنجا بود لذا در تعریف مساجد و قصور و

عمارت و محلات خارج شهر آنجا تفصیلی برشته تحریر درآورده است .

ادریسی در جغرافیای پالرم که زمان رثر دوم پادشاه سیسیل یعنی از فتح

نصاری بفاصله کمی آنرا تألیف نموده است راجع بشهر مزبور بشرح ذیل مینویسد :

« پالرم پایتخت صقلیه شریف (سیسیل) از هر گونه اوامر تجمل و اسباب شکوه

و جلال زینت یافته و این شهر که یکی از زیبا ترین شهر های دنیا و از ابتدای امر

دارالخلافت قرار گرفته است کنار دریا واقع شده و از اطراف محاط است بکوه های

مرتفع و بلند . تمام سیاحان اتفاق دارند که برای کسیکه بخواهد زندگانی خود را به

فراغت و آرامش بسر برد جایی بهتر از اینجا یافت نمیشود ، گمانیکه میخواهند از راه

دریا وارد این شهر شوند وقتیکه از دور قصور عالی و بروج مرتفعه مناره های بلند و

باریخ معابد نصاری ، گنبد های مجلل و باشکوه مساجد اسلامی را مبینند متحیر

میشوند ، وقتیکه مسافر این ائمه و عمارات را با آن همه قشنگی و زیبایی و بدایع و

شاهکار های صنعتی از نزدیک مشاهده میکند مات و مبهوت میگردد . پالرم بدو قسمت

منقسم میشود قلعه (التحصیر) و خارج قلعه .

اما قلعه که آن در نهایت درجه استحکام بنا شده به سوی منقسم میگردد :

بازار و ایتمه و عمارات امرا و اشراف در اینجا واقع شده و نیز سوداگران معتبر از مسلمان

و یهود و مسیحی تماماً در اینجا اقامت دارند . جامع مسجد که از حیث قشنگی و

تزیینات و آرایش و رنگ آمیزی فوق تصور هر بیننده میباشد در همینجا واقع است .

در طرف شمال آن برجی است که رثر آنرا بنا نهاده و آن بسیار بلند و نهایت درجه

قشنگ ساخته شده و در قسمت داخلی آن مقرنس کاری بعمل آمده که نهایت نفاست و

ظرافت را دارا میباشد . اما قسمت خارج قلعه که آن در چهار طرف قلعه واقع شده عبارت

است از همان نقطه ای که شهر جدید موسوم به الخاضه در آنجا بنا شده و در عصر مسلمین

محل قائم مقام خلیفه بوده و آن وسعتش از شهر خیلی بیشتر است . در اینجا خانه ها

جاده ، خیابان ، حمام ، دکان مغازه و کاروانسرا باثرت موجود میباشد . در حوالی پالرم

در هر نقطه باشها و عمارات بسیار قشنگ و فواره ها موجود و منظره آنها بدرجه دلکش و

عالی میباشد که از وصف و بیان خارج است »

چون مراتب فضل و کمال مسلمین در علوم و فنون مسلم بوده لذا سلاطین فرمانده از آنها همه گونه قدردانی نموده و وسایل آرامش و آسایش خیال آنها را فراهم میکردند ، حتی خود کشیشان و رهبانان با اینکه اکتشافات علمی و اختراعات و کارهای مهم ایشان را بشاطین نسبت میدادند معذک مراتب عقل و ادراک آنها را تقدیر مینمودند . اینک یکی از حکایات غریبه ای که در تواریخ لاتینی نسبت به مسلمین نقل شده ما آنرا ذیلا مینگاریم تا از مطالعه آن معلوم شود که عقیده مسیحیان آن عصر نسبت بدشمنان مذهبی خود چه بوده است .

یکی از مورخین چنین مینویسد : ربرت ویسگار^(۱) در زمان قشون کشی خود مجسمه ای که در بالای ستونی از سنگ مرمر نصب بود بدست آورد که بالای سر آن حلقه ای از مفرغ بود که کلمات ذیل در آن منقوش بوده است :

« اول ماه مه هنگام طلوع آفتاب تاجی از زر بر سر من خواهد بود » احدی نتوانست معنی این جمله را فهمیده و این معما را حل نماید ؛ یکی از اعراب سبیل که در زندان و مثل تمام اولاد **هاجر** از علوم سحر و طلسمات با خبر بود به ربرت اظهار داشت که من معنی آنرا میدانم ، چنانچه مرا از حبس خلاص نمائی این معما را حل خواهم کرد . ربرت باو اطمینان داد که در سبیل او را آزاد نماید . او در حل معمای مزبور چنین گفت که در اول ماه مه وقت طلوع آفتاب سایه این مجسمه بهر نقطه ای که منتهی میشود زمین آنجا را بکنند ، و قتمکه اینکار را کردند دقینه زیادی بیرون آمد و نصیب ربرت شد .

فصل سوم

حملة اعراب بفرانسه

اعراب بعد از فتح اندلس چندین دفعه بفرانسه حمله بردند لیکن معلوم نیست که آنها هیچوقت قصدشان اقامت این کشور بوده است بلکه از ظاهر چنین برمیآید

۱- Robert Wiscard.

که درین منطقه بواسطه اینکه از مناطق بارده بوده مایل بتوطن نبوده اند . بلکه در قطعات جنوبی اروپا که دارای آب و هوای معتدل بود آنها بهتر میتوانند پیشرفت حاصل کنند و اینکه در بعضی قطعات جنوبی فرانسه توقف آنها طول کشید برای همین بود که آب و هوای آنجا معتدل بوده است .

در قرن هشتم میلادی زمانیکه اعراب فرانسه حمله بردند این کشور زیر حکمرانی سلاطینی بود که بعیاشی و تن پروری معروف و اوضاع آن از مظالم امراء و صاحبان اراضی در نهایت درجه خرابی بوده است و بدینجهت ایشان بآسانی وارد شده وبدون زحمت و کشمکش زیاد غالب قطعات جنوبی را تصرف نمودند . ابتدای امر آنها لانگدوک^(۱) شهر ناربون^(۲) را گرفته و در سال ۷۲۱ میلادی نواوز^(۳) پایتخت آکین^(۴) را محاصره نموده ولی کامیاب نشدند وبعد کارکاسون^(۵)، نیم^(۶)، لیون^(۷)، ماکن^(۸) اتون^(۹) و غیره را پشت سرهم فتح نموده و از دره رود خانه رن تا به دوفینه^(۱۰) و بورگنی^(۱۱) خود را رسانیدند .

نصف کشور کنونی فرانسه یعنی از کناره رودخانه لوآر تا فرانس کمته^(۱۲) تدریجاً بتصرف اعراب درآمد و چون قصد توطن نداشتند لهذا مواقع نظامی را بقصد مرکزیت دادن سپاهیان خود اشغال نمودند تا بتوانند باطراف برای چپاول و غارت حمله ببرند . مهمتر و بزرگترین حمله اعراب حمله ای بود که از طرف عبد الرحمن بعمل آمد و این همان بود که در سال ۷۳۲ میلادی در حدود یوآتیه^(۱۳) شارل مارتل از آن جلو گرفت . عبد الرحمن لشکر انبوه جرادی در اندلس گرد آورده و از رودخانه کارون^(۱۴) عبور نمود و با وجود مقاومت آکین و واسکن^(۱۵) تحت سرداری دوک اود^(۱۶) او برد را گرفته و بسمت یوآتیه شتافت .

دوک اود آنوقت از شار مارتل که در آنزمان بعنوان ریاست دربار از طرف دونفر

۱- Languedoc. ۲- Narbonne. ۳- Toulouse. ۴- Aquitaine.
 ۵- Carcassonne ۶- Nîmes. ۷- Lyon. ۸- Mâcon.
 ۹- Autun. ۱۰- Dauphiné ۱۱- Bourgogne ۱۲- Franche-Comté.
 ۱۳- Poitiers ۱۴- Garonne. ۱۵- Vascoce ۱۶- Duc Eudes.



(۱۵۲) - ابرق بلورین که بدست صنعتگران مسلمان ساخته شده و در موزه لوور پاریس است

از پادشاهان ضعیف
 مروئژی (۱) براسترازی^۲
 ونوستری (۲) حکومت
 مینمود امداد طلبید
 مورخین عرب مینویسند
 که: وقتی که چند نفر از
 سرداران فرانسه نزد
 شارل از تعدیات اعراب
 شکایت نموده و اظهار
 داشتند که اینمطلب
 چقدر شرم آور است بک
 مردمی که حتی اسلحه
 و آلات حرب آنها ناقص
 و سرگردگان آنها دارای
 لباس نظامی نیستند بر
 نیروئی که اسلحه و
 کامل و تمام عیار است
 غالب آیند، شارل در
 جواب چنین گفت:

بگذارید آنها جلو بروند چه آنها حالیه که در شدت جوش و حرارتند مثل سیل هر چیزی
 را از جلو برداشته با خود میبرند همان حرارت و جوش سبب پیشرفت آنها شده و
 شجاعت و دلاوری است که قلعه محکم آنها میباشد لیکن بعد از آنکه غنائم زیاد بدست
 ۱- Mérovingiens اول خاندان سلطنتی فرانسه که میردوس در قرن پنجم مسیحی آنرا

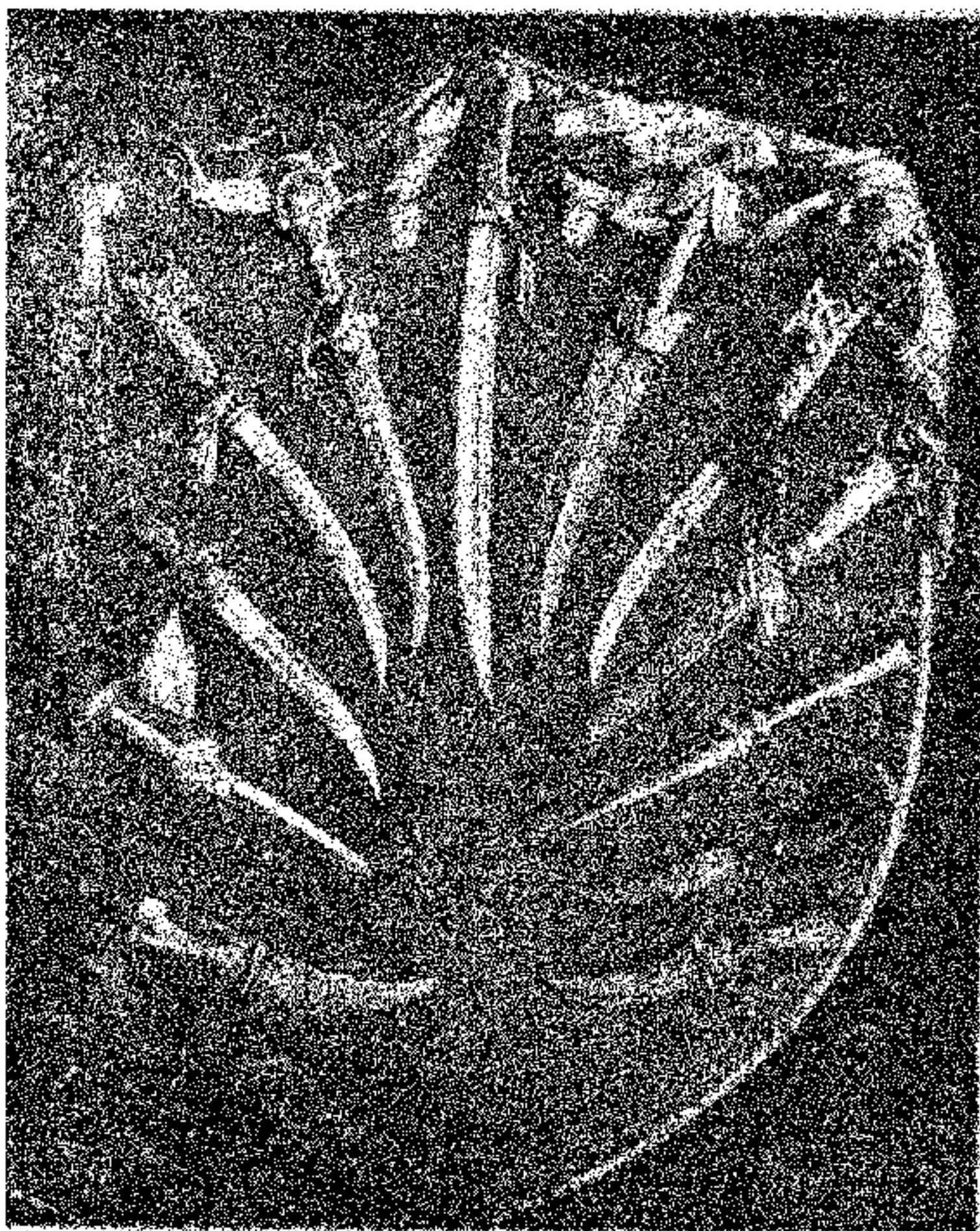
تأسیس نمود و بعد در سال ۷۵۲ میلادی خاندان کاروئژی بر تخت نشستند.

۲- Austrasic. ۳- Neustrie.

آورده و در منازل و خانه های قشنگ و خوب بتن آسایی و تنعم و تجمل مشغول شدند و سرگردان آنها بدام هوا و هوس گرفتار آمدند ، حتی در افراد این هوسرانی سرایت کرده و دچار اختلافات داخلی گردیدند ، آنوقت ما با آنها حمله کرده و یقیناً غالب خواهیم آمد . این بیان **شارل مارتل** واقعاً درست بوده است و در حقیقت لشکر کشتی های اعراب سکنه این مملکت را بدرجه ای مرعوب ساخته بود که برای جلوگیری از راهی غیر ازین بنظر نمی آمد که يك چندی آنها را بحال خود را گذارند ، سپس متوجه دفع آنها بشوند . **عبدالرحمن** بدون هیچ اندیشه و خوفی بنای پیشرفت را گذاشت و بین برد و نور نقاط ثروت خیزی که بودند تمام آنها را تراج نموده و بیاد فنا داد . ما در سابق این مطلب را در چندین جا ذکر نمودیم که اعراب در هر جائی که قصدشان توطن بود هیچوقت آنجا را غارت نمی نمودند و بنا بر این طرز سلوک فوق **عبدالرحمن** خود يك گواهی است که غرض از حماة فرانسه غیر از غارت و چپاول چیز دیگری نبوده چنانکه غنائمی هم که درین جنگ بدست آوردند افزون از شمار بوده است و آن تقدیری زیاد بود که هنگامیکه به تور رسیدند برای حمل و نقل آن فوق العاده در زحمت بودند .

شارل مارتل تمام نظامیان و جنگجویان کشور را که آنوقت تحت فرمان **کلویس** (۱) بودند بوسیله اعلان عمومی جمع آوری نمود و این خبر که به **عبدالرحمن** رسید دانست زمان آن رسیده است که مراجعت نماید ، و لذا سپاهیان خود را جلو یوانیه جمع نمود ، در اینجا **شارل** او را تعاقب کرده و او ناچار برای جنگ حاضر گردید . سپاه **شارل مارتل** مرکب بود از آلمانی و فرانسه و سربازان بورگنی و لشکر **عبدالرحمن** از بربر و عرب تشکیل یافته بود . آتش جنگ در تمام روز بدون اینکه نتیجه قطعی آن معلوم باشد مشتعل بوده است ، لیکن وقت شب دسته ای از سپاه فرانسه بقصد اینکه از پشت سر بمسلمین حمله ببرد از معرکه خارج شده و مسلمین

۱ - Clovis.



(۱۵۳) - نمونه اسلحه مسلمان در قرن مختلفه

برای حفظ غنائمی که با خود داشتند میدان را خالی گذاشته در نهایت بی نظمی عقب نشینی کردند و از همین خطای نظامی شکست خوردند و آنها بحالت جنگ و گریز طرف ایالات جنوب عقب نشسته و شارل مارتل هم از دور آنها را تعاقب میکرد تا اینکه

به تار بون رسیده و شهر را محاصره نمود ولی نتوانست پیشرفت کند و بعد خود او مطابق معمول آن زمان بغارت و چپاول اطراف مشغول گردید، حتی این غارت و تاراج را بجائی رسانید که سرکردگان مسیحی برای اینکه از جور و ظلم او محفوظ مانند با اعراب ملحق شده به شارل حمله بردند و او را عقب نشاندند.

مسلمین شکستی که از شارل دیده بودند در اندک زمانی آن را ترمیم نموده اماکن و نقاطی را که ابتدا فتح کرده بودند آن اماکن و نقاط را در تصرف خود نگاهداشته و تا دو بیست سال توقف ایشان در خاک فرانسه طول کشید. در سال ۷۳۷ میلادی حاکم ماریسیل پروانس را به مسلمین تسلیم کرد و آنها آزل (۱) را هم بتصرف خود در آوردند. در سال ۸۸۹ میلادی در ترپز (۲) اعراب موجود بوده و تا آخر قرن دهم میلادی مداخله آنها در پروانس دوام داشته است. سال ۹۳۵ میلادی اعراب تابه واله (۳) و سویس رسیدند و بعضی از مورخین می نویسند که آنها تا متر خود در آسانیدند. از توقف مسلمین بعد از شارل مارتل تا دو بیست سال در خاک فرانسه بخوبی معدوم میشود که فتح شارل دارای چنین اهمیتی که بعضی مورخین ما ذکر میکنند نبوده است. می نویسند که شارل اروپا و کیش مسیحی را نجات بخشید، اگر چه این عقیده محل اتفاق عموم مورخین است لیکن ما آنرا بکلی بی پایه میدانیم. مقصود عبدالرحمن از لشکر کشی این بود که لشکریان اسلام از غنائم جاهای ثروتمند فرانسه بهره مند شوند و چنانکه شارل مارتل هم همیشه باز عبدالرحمن بغارت تور و اطراف و جوانب آن اکتفا کرده بکشور خودش بر میگشت و دوباره مطابق عادت عرب باین سرزمین حمله آورده و باز بعد از قتل و غارت مراجعت مینمود تا اینکه نیروئی پیدا شده آنها را برای همیشه از تجاوز بخاک فرانسه جلو گیری نماید. شارل مارتل لشکریان اسلام را از قطعات و نقاطی که اشغال نموده بودند نتوانست خارج سازد بلکه از جلو آنها رو بهزیمت نهاده و مسلمین را با تمام ایالاتی که در تصرف داشتند بحال خود باقی گذاشت. تاثیر این فتح همیشه قدر بود که در حمله بشمال فرانسه از جرأت و

۱ - Arles. ۲ - Tropez. ۳ - valais.

جسارت عرب کاست و این البته يك فائده بزرگی بود که حاصل گردید ولی آنها نه باندازه ایست که مورخین آنرا با آب و تاب بیان نموده اند .

مورخینی که فتح تور را بغایت اهمیت داده اند مینویسند که اگر اعراب در تور شکست نمیخوردند آنها در خاک فرانسه پیشرفت نموده و بالاخره مالک اروپا میشدند و بعد چنین سؤال میکنند که اگر بکچنین اتفقی میافتاد چه رستاخیزی برای نصاری زیر پرچم اسلام پیدا میشد .

مسیو هانری مارتین (۱) در کتاب تاریخ فرانسه که آنرا برای عوام تألیف نموده است در موضوع جنگ مزبور چنین مینویسد : « آن (جنگ تور) مقدرات عالم را حل و تسویه نمود . اگر فرانسه مغلوب میشد تمام روی زمین دست اعراب افتاده و سعادت نوع بشر بر باد میرفت زیرا که آن حرارت و جوشی که باعث ترقی نوع انسانی میشود در مسلمانان هیچ وجود ندارد . آنها تمام فکر و خیالشان اینست که از جانب خدا آمده اند و خدای مسلمان که بعد از خلقت عالم بر تخت وحدانیت و جلال خود آرمیده است انسان را برای ترقی و تعالی مهیا و آماده نمیسازد » .

اولاً در جواب بیان فوق میتوان گفت که اگر فرضاً اعراب در جنگ تور غالب میآمدند هیچگونه تغییری در سرنوشت عالم پیدا نمیشد و تأثیر آن چنانکه در سابق ذکر شد همینقدر بود که آنها بعضی شهرهای دیگر حمله برده و بالاخره پس از تحصیل غنائم بسر زمین خود بر می گشتند و يك چندی که میگذشت و آنها غنائمی را که بدست آورده بودند بهصرف رسانیده دوباره بقصد غارت حمله میبردند و آن بهمین ترتیب باقی بود تا آنکه یکحریف مقتدری آنها را از این حملات جلوگیری نماید چنانکه **شارل مارتل** جلوگیری نمود .

خیر ، فرض کنیم که نصاری از عهده دفع اعراب بر نیامدند و نیز فرض کنیم که آب و هوای شمال فرانسه بجای سرد و مرطوب بودن که ابدأ پسند اعراب نبود مثل اندلس معتدل بود و اعراب در اینجا توطن اختیار مینمودند با تمام مراتب فوق این

۱ - Henri Martin

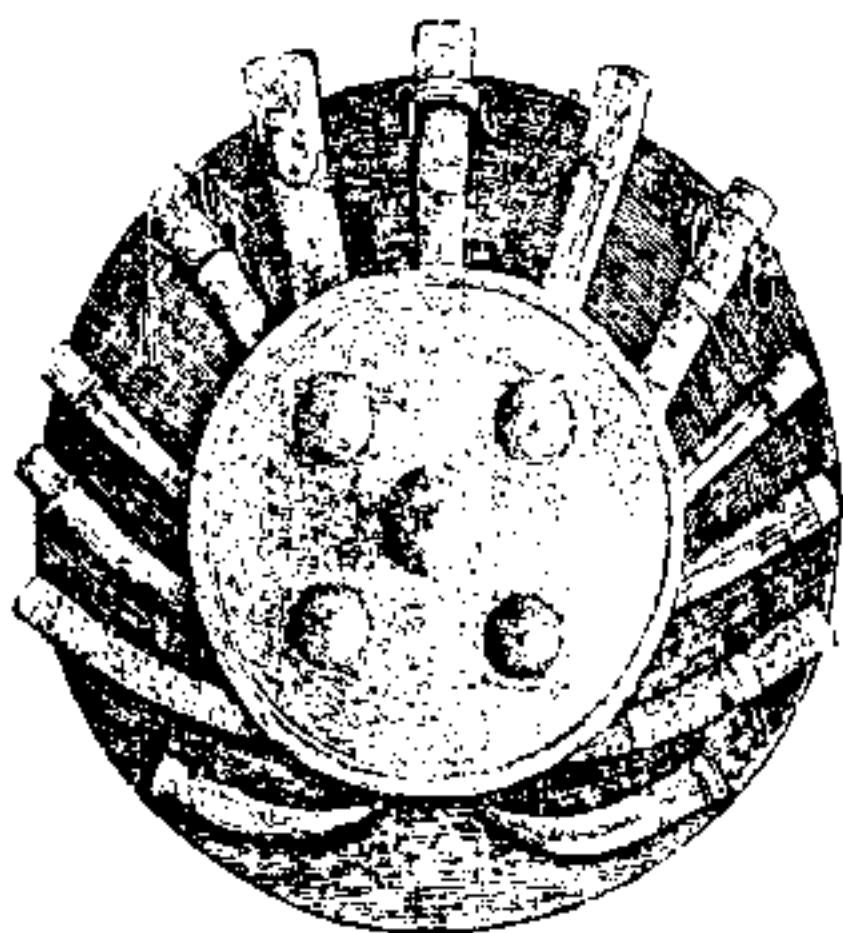
مطالب که اروپا چه صورتی بخودش میگرفت، از دیدن اندلس میتوان آنرا کشف نمود. وقتی که دیده شد اندلس در یکچنین عصری که اروپا گرفتار نوحش بر بریت بود تحت حکومت مسلمین اعلی درجه تمدن را حاصل نمود البته میتوان گفت که ملل مسیحی اروپا نظر بتمدن آنعصر از تسلط و نفوذ مسلمین بهره برده و استفاده مینمودند و هیچ ضرر و نقصانی بآنها نرسید. آری رحمت و شفقت اسلام در اخلاق اقوام اروپا نرمی و ملایمت ایجاد کرده و از خونریزیهای مذهبی و فجایع قتل عام سن بار قلمی و مظالم دادگاه های مذهبی که تا چندین قرن نهرهائی از خون در اروپا جاری و مسلمین بکلی از آن دور و بر کنار بودند آنها را نجات می بخشید.

اما اینکه گفته شد که در تسلط اعراب ترقی اروپا و تمام دنیا بر باد میرفت زیرا آن حرارت و جوشی که سبب ترقیات نوع انسانی است در مسلمین هیچ یافت نمی شود، اگر اینحرف را قبول کنیم لازم میآید که تریخ تمدن عرب را بکلی از نظر دور سازیم. ما وقتکه بآن کشورهای مسلمین نظر می افکنیم که در آنها ترقیات محیر العقولی پیدا شد که قبل از اسلام اسمی از تمدن در آن ممالک نبود بی شک این مزبور را تردید کرده مگوئیم آن جذبه ای که باعث ترقی انسانیت بقدریکه آنوقت در مسلمین وجود داشت در هیچ ملتی نظیر آن دیده نشده است.

از اقامت اعراب در جنوب فرانسه هنوز علائم و اماراتی بطور خیلی خفیف باقی میباشد و چون شهر هائی که محل آمد و رفت آنها بود این شهر ها فقط مرکز اشکرا کشی و حملات جدید آنها بوده است لذا برای بسط و نشر تمدن در این نقاط مطلقاً از طرف آنها اقدامی بعمل نیامد و آن وسایل و اسباب ترقی که در اندلس و مشرق فراهم کردند در فرانسه بک چنین عملیاتی نشد.

بنا بر وجودیکه اقامت اعراب در فرانسه بوسیله این اشکرا کشیها چندان طول نداشتند معذلت در زمان مملکت چنانکه در یکی از فصول آینده ذکر خواهیم نمود تأثیر بخشیده و نیز در خون سکنه بطوریکه ذیلا ثابت مینمائیم اثر خون آنها باقی است.

عده زیادی از اعراب در اطراف و جوانب آن شهر هائیکه مراکز سپاهیان ایشان



بود و توطن اختیار نموده و به
 زراعت یعنی کشاورزی و حرفت
 پرداختند و چند قسم اصول
 کشاورزی و نیز یک قسم قالی
 مخصوصی را که در ابوسن
 میبافند بآنها نسبت میدهند.
 آنها با رؤساء
 و سرکردگان مسیحی که
 بین آنها جنگ داخلی جریان
 داشت بنای خلطه و آمیزش

(۱۵۴) - غلاف اسلحه مسلمانان

را گذارده و در بسیاری از امور اجتماعی
 با عموم سکنه شرکت داشتند

و دلیل آن حالیه از روی اصول نژادشناسی این است که در بعضی قطعات فرانسه
 بعد از قرون متمادی از خون عرب هنوز علائمی موجود میباشد. مثلاً در ایالت
 کروز^۱ و نیز در آلپ علیا خاصه در حوالی مون مور^۲ (جبل المسلمین) و همچنین
 در ایالت بنی^۳ و بعضی از قصبات لاند^۴ و روسیلان^۵ و لانگدوک و بآرن^۶ نسل های
 عرب را بخوبی میتوان تمیز داد: چهره کندمگون ، موی سیاه آبنوسی ، بینی مایل بانحناء ،
 چشمهای گود و برآق بکلی آنها را از فرانسویان جدا میسازد. رنگ سبزه ، قد بلند ،
 چشمان درشت و سیاه ، ابروی پهن و بیستانه های مخروطی زنان آنها دلیل روشنی است که
 آنها از نسل عرب میباشد و مطابق اصول انسان شناسی که در سابق گفتیم باقیمانده
 خصایص مزبوره با وجود معاشرت و جوشش آنها با بومیان بهترین شاهدیست که در این نقاط

۱ - Aubusson. ۲ - Cruse. ۳ - Montmaure. ۴ - Baignes
 ۵ - Landes. ۶ - Roussillon. ۷ - Bèarn.

مسلمانان از خود تشکیل خانواده های کوچک داده و از امتزاج و اختلاط با اجانب خود داری منموودند .

تا اینجا شرحی که راجع بسر گذشت اعراب و تاریخ اسلام ذکر شد ما آنرا در همینجا ختم مینمائیم . ما این مطلب را نشان دادیم که تاریخ مزبور از نظر اختلاف محیط و نیز بواسطه اختلاف در اصل منظور و مقصود از فتح تا چه درجه اختلاف پیدا میکند . مسلمین کشورهای را که تحت تصرف خرد در آوردند شاید باستثنای کشور فرانسه اعلی درجه تمدن را در آن کشورها انتشار دادند و در هر نقطه ای که پرچم اسلام را بر افراشتند تغییرات عظیمه در آن پیدا شده دانش و ادب و پیشه و هنر به منتها درجه کمال رسیدند .

ما از بیان این مسائل کلی و حوادث و وقایع عمومی تاریخی صرف نظر نموده اینک قلم را بجزئیات تاریخ مدنیّت عرب معطوف داشته و ترقیاتی را که مسلمین در علوم و فنون حاصل نموده اند از نظر خوانندگان میگذرانیم ، بدیهی است که تاریخ نفوذ سیاسی یک قوم هر قدر نزدیک یا روشن باشد باز پایه جلال و عظمت دنیوی و قدرت و نفوذ اصلی آن قوم را فقط بوسیله تمدن و اکتشافات علمی وی میتوان بدست آورد .

باب ششم - محاربات بین مذہب عیسوی و اسلام

فصل اول

آغاز جنگ صلیب

در آخر قرن یازدهم میلادی یعنی در آغاز جنگ صلیب ، اقتدار و نفوذ سیاسی اعراب در شرق روم با انحطاط گذارده لیکن آبهت و جلال نامشان بحال سابق باقی بوده است . افریقا و اندلس تا آنوقت در تصرف آنها بوده و هنوز از آن زمان چیزی نگذشته بود که بحر متوسط (دریای مدیترانه) و بخشی از فرانسه و نیز جزیره سیسیل را مالک بوده اند ، حتی از یاپ روم هم خراج میگرفتند . هیبت و سلطوتی که از اسم پمبر اسلام در تمام اروپا پیچیده بود از هیچیک از قیصره روم حتی در دوره ارتقاء و اعتلاء آنها آن هیبت و سلطوت نبوده است و البته حمله بردن به محل و موطن يك چنین قوه ای که تا مدت پانصد سال تمام اروپا را بوحشت و اضطراب انداخته اقدامی هتھورانه بود تا بالاخره جوش مذهبی چندین قرن اروپا و عقیده منصور من الله بودن بضمیمه يك میلیون لشکری که فراهم نموده بودند آنان را برای این حمله آماده و مهیا ساخت .

این مطلب بر همه معلوم است که کشورهای مسیحی چگونه از روی دعوت یکنفر آدم شوریده حال با هم اتفاق نموده و یکدفعه بر مشرق حمله بردند و نیز همه میدانند که نتیجه بکار بردن تمام این نیرو غیر از يك کامیابی موقتی چیز دیگری نبوده است و سر انجام حملات متواتره ای که مسیحیان اروپا در مدت دوست سال بقصد تصرف بیت المقدس بر ضد اسلام نمودند این شد که نیروی مجموعی اروپا پرچم اسلام را نتوانست از جای خود تغییر دهد .

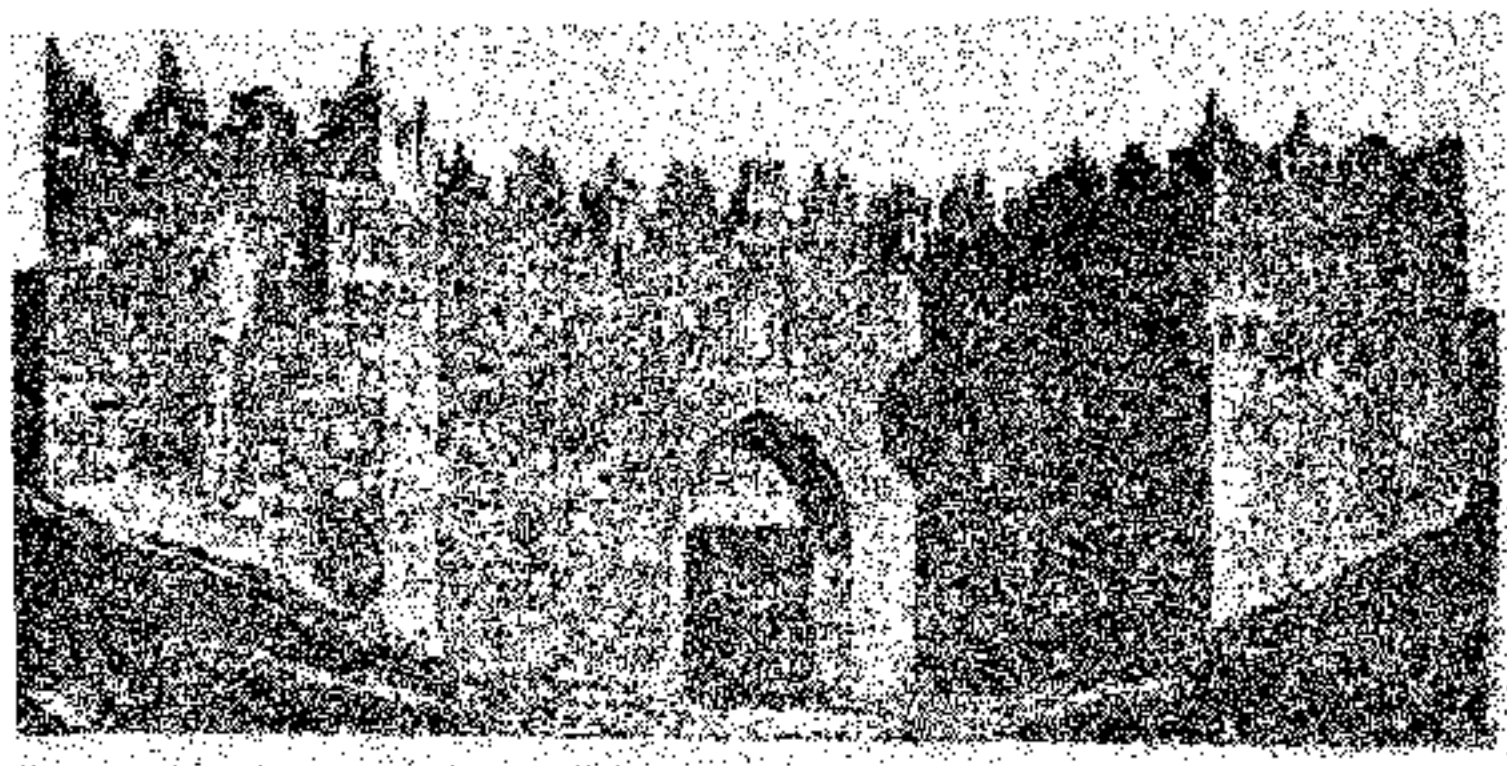
جنگهاییکه مذهب عبوی ر ضد اسلام نموده بنام جنگ صلیبی مشهور می باشد این جنگها نسبت بتمدن اروپا بطور کلی تأثیر نمایانی بخشیده و چون در این کتاب میخواهیم علاوه بر بیان تمدن عربی اسلامی تأثیری را هم که آن بتمدن دنیا بخشیده ذکر کرده باشیم البته نمیتوان از بیان این وقایع صرف نظر نمود .

اینک ما حالات مشرق و مغرب را قبلاً بطور اختصار ذیلاً از نظر خوانندگان می گذرانیم .

در آخر قرن یازدهم میلادی یعنی در زمان جنگ اول صلیب حالت اروپا بخصوص فرانسه بی نهایت خراب بوده است . تمام کشور در میان صاحبان زمین و ارباب ملک تقسیم شده و این نیم وحشی ها در قلاعیکه بنا نهاده بودند دائماً با هم مشغول نزاع و زد و خورد بوده و نیز بر رعایای جاهل خود حکومت جابرانه مینمودند . در رأس این حکومت ملوک الطوائفی حکومت مذهبی پاپ قرار گرفته که تا درجه ای مورد قبول عامه بوده است لکن این قوه هم بیشتر محض خوف و رعیی بود که از آن در قلوب مردم جا گرفته و الا در معنی آن وقع و احترامی نمیکذارند .

طرف مشرق حکومت یونانیان موجود و قسطنطنیه گرچه در نهایت درجه انحطاط بوده معذات تا آنوقت مرکز یک سلطنت معظمی شمرده میشد . جنگهای مذهبی و تنعم و تن پروری این سلطنت را ضعف نموده و مردم بنای خود سری را گذاشته هر روز از یکجا بچشم استقلال بلند میشد و از نفوذ و قدرت ابطالها هم چیزی باقی نمانده و اسقف اعظم روم و بطریق بیزانس هر کدام دیگری را تکفیر کرده و حوزه جداگانه تشکیل داده بودند .

اما کشور شام بیک قسمتش دست اترک سلجوقی بوده بقیه تحت حکومت سلاطین مصر اداره میشد . از خلافت بغداد فقط اسمی باقیمانده و حکومت و اقتدارات مادی و سیاسی اعراب رو تجزیه و ملوک الطوائفی نهاده ولی تمدن آنها بقوت خود باقی بوده است و این مبارزه شدید که همیشه آن تهیه میشد در واقع مبارزه ای بوده است که بین دنیای وحشی اروپا با عالی ترین تمدنی که تاریخ آثار آنرا بمانشان می دهد پیش می آمد .



(۱۵۵) - دروازه دمشق در بیت المقدس

روابط و مناسباتی که در آن عصر بین مشرق و اروپای مرکزی وجود داشت از برکت زائرین فلسطین بوده است. زمان قسطنطین ویژه از وقتی که بین شارلمان و هارون الرشید روابط حسنه برقرار شد زیارت فلسطین نصاری جریان داشته و روزانه دامنه آن وسعت پیدا میکرد. در میان این زائرین گروهی بودند که با اسلحه و مانند يك سپاه حرکت مینمودند. در سال ۱۰۴۵ میلادی آبه ریشار (۱) یک نفر قسین هفتصد نفر را با خود بر داشته بقصد زیارت حرکت نمود ولی نتوانست بمقصد برسد بلکه از سائپرس (قبرس) مراجعت نمود و در سال ۱۰۶۴ سیز فروای (۲) پیشوای بزرگ مایانس و چهار نفر پیشوای دیگر با هفت هزار نفر زوار حرکت نمودند. در میان آنها امرا و سرکردگان زیادی بودند که ناچار با بدویان و ترکمانان هم جنگ مینمودند زیارت بیت المقدس تا ایندرجه سخت و خطرناک شده بود که کشیشان آن را کفاره گناهان گناهکاران مسیحی قرار داده بودند، واقعاً در آن زمان اشخاص گناهکاری که مرتکب معاصی کبیره شده باشند زیاد یافت میشدند، این بود بواسطه خوف و شدت هراسی که از عذاب جهنم و محسور شدن با شیاطین داشتند بر عده زائرین خیلی افزوده شده بود. باستانهای چند نفر اشخاص را سخ العقیده اکثر زائرین بیت المقدس از جمله مردم شریر

۱- l'Abbé Richard. ۲- Sigelroy.

و فاسدی بودند که فطرتاً از هیچ گونه شرارت و جنایتی رو برگردان نبودند و محض خوف و وحشت از سوختن در آتش جهنم این مسافت دور و دراز را طی مینمودند. غرض عدّه این زائرین روز بروز زیاد شده و اخلاق و اطوار آنها تدریجاً تا اینقدر ضایع و فاسد گردیده بود که ترکمانان که آنوقت در شام حکومت داشتند و حتی بر اعراب هم رحم نمینمودند از ایشان جلوگیری کرده و حکم سخت دادند که نباید آنها در کشور اسلامی بدون اجازت برای زیارت بیایند. ترکمانها بجای اینکه بآنها اجازت دهند که محترماً با ساز و آواز و مشعل و چراغ داخل بیت المقدس شوند (چنانکه در دوره اعراب اجازت داشتند) مجبورشان ساختند که با کمال ذلت و خواری داخل شوند و هرگونه تشدد و سختی هم نسبت بآنها روا میداشتند؛ در میان این زائرین یک نفر سیاهی وجود داشت که بر اثر جدال و نزاع با زنی فرار کرده و راهب شده بود. این شخص که در واقع دیوانه و نهایت درجه متعصب و عاجز اجو بود نام اصلیش پیر (۱) بوده و در تاریخ لغز ارمست (۲) یعنی فقیر هم آن اضافه شده است. او بواسطه رفتار زشت و باهنجاری که با وی در فلسطین نمودند سخت متأثر شده جدی که آن هیچوقت از یادش نمیرفت تا اینکه خود را یکی از اولیاء الله تصور کرده و اینرا جزء فرایض خود شمرد که برای نجات ارض مقدس تمام اروپا را قیام دهد، او خود را در این خیال مستغرق ساخته اول به روم رفت و از یاب استمداد نمود. **اوربن دوم** (۳) باراجازت داده برای خلاصی اماکن مقدسه تمام نصاری را دعوت نماید. پیر همانوقت طرف ایتالیا و فرانسه حرات کرده و در تمام این نقاط با حسل کره و زاری مردم را تبلیغ مینمود و بهیروزمرائی و امن و دشنام به کفار یعنی مسلمین مردم را تحریک کرده قیام میداد و حامیان قیر مسیح را بدو ابهای اخروی امیدوار مساخت. خطابه های پر جوش او در مردم تأثیر غریبخشیده تا این حد که او را مبعوث من الله خیال مینمودند. این طبقه عوام که پیر آنها را دیوانه خود ساخته بود هیچ کاری از آنها ساخته نبود لیکن پش آمده های چندی لغات کرده که رؤسا و امرای کشور هم بعد از چندی باین امر اقبال نمودند. **آلکسی کمین** (۴) امپراتور مشرق که کشور وی رو بتجزیه

Alexis Comnène. - ۱ - Urbain II. - ۲ - Ernite. - ۳ - Pierre. - ۴ -

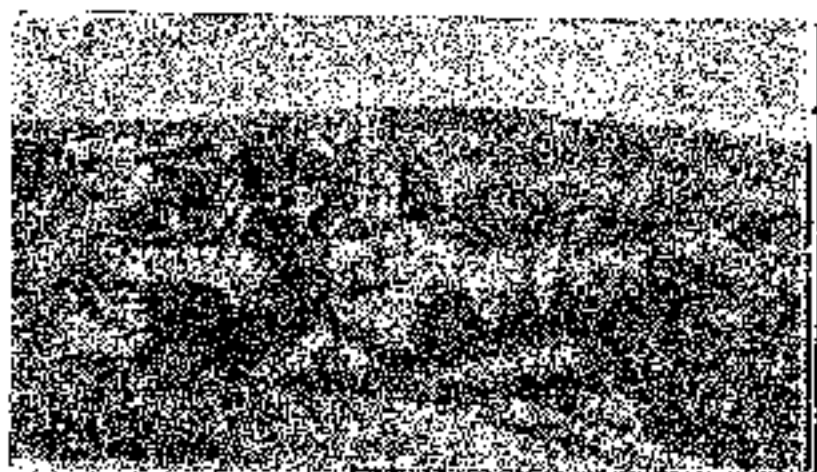
و ملوک الطوائفی نهاده و نیز قسطنطنیه پایتختش را ترکان محاصره کرده بودند نزد پاپ و سایر پادشاهان اروپا بنای داد و فریاد را گذاشت و این داد و فریادهای او با خطابه های آتشین پیر در مسیحیان حرارت و جوش غریبی ایجاد نمود، پاپ هم دامن به آتش زده مجلسی در ایتالیا منعقد ساخت ولی ازین مجلس نتیجه ای گرفته نشد تا در سال ۱۰۹۵ میلادی مجلس دیگری در کلرمون (۱) منعقد نمود که پیرارحیت هم در آن شرکت داشته است. در این مجلس از غیب گوئیهای پیر و داد و فریاد حضار و مستمعین که: رضای الهی همین است، رضای الهی همین است؛ طوری در حضار تأثیر بخشیده که یک دفعه روی شانه خود علامت صلیبی از پارچه وصل نموده و همانجا قسم خوردند که بفرسایین رفته قبر مسیح را از چنگ کفار خارج سازند. حرکت این لشکر هم سال بعد در آنروزی مقرر گردید که مطابق تقویم عیسویان روز صعود حضرت مریم باسمان بوده و معلوم است که برای حرکت دادن چنین لشکر مهمی اینقدر وقت هم لازم بوده است.

فصل دوم

اجمالی از وقایع جنگ صلیب

خیال لشکر کشی بفرسایین جوش غریبی در دلها تولید کرده بود. آزی علاوه بر یادش اخروی و رفتن ببهشت، هر کسی از پیش خود خیال میکرد که بدینوسیله مال و منالی هم بدست آورده و وضع زندگانی خود را بهتر خواهد نمود. کشاورز (زارع) که با زمین خرید و فروش میشده و در حقیقت خود را در چنگال زمین مقید و اسیر میدید برای آزادی جان میداد. اولاد کوچکتر خانواده ها که مطابق قانون ارشدیت محروم از ارث بودند؛ امرا و اشرافی که از متروکات آبائی خود ارث کمتر برده و در زیاد کردن ثروت حریص بودند؛ راهبها که از فشار و سختی زندگی خانقاهی خسته و فرسوده شده و بالاخره تمام مردم و در شکست و مفلوک و محروم از ارث که شماره آنها خیلی زیاد بوده است

۱ - Clermont.



اسیر و همه گردیده هر کس بکعبال
خامی در کله اش جا گرفته و زندگانی
مشغی در آتیه برای خود تصور
مینمود .

طرز تشکیل این لشکر هم خیلی

عجیب و غریب بوده است باین معنی که (۱۵۶) - منظره يك قسمت از دیوارهای بیت المقدس

آقا و غلام، زن و بچه تماماً در آن شرکت داشته و همه برای حرکت حاضر شده بودند. هر کس که مختصر دارائی داشت آن را بمصرف فروش رسانیده ساز و سامان سفرش را مهیا کرده بود و بالاخره در اندک زمانی يك ملیون و سبصد هزار نفر عازم سفر فلسطین گردیدند .

روزانه بر جنون آنها میفرود، کسانی که اول حاضر شده بودند منتظر نشدند که با دستجات نظامی حرکت کنند و در بهار سال ۱۰۹۶ میلادی این جمعیت انبوه طرف رودخانه دانوب (۱) حرکت نمودند و از دریای شمال تارودخانه تیبر (۲) رشته این جمعیت بهم متصل بود حتی مردم بعضی قصبات تمام دارائی خود را دوش گرفته داخل این جمعیت شده بودند و گویی تمام ارء با بطرف آسیا هجوم میبردند .

این مردم هر قدمیکه بطرف مقصد برمیداشتند جنون شان بیشتر میشد و از دماغهای برافروخته آنها يك رشته مکاشفات و کراماتی مشوب بوهم تراش شده مختصر شعوری هم که در آنها وجود داشت بالمره از میان رفته بود .

قائد و سر تاج این جمعیت پیرارمت و یکنفر سردار مفلس گوتیه (۳) نامی بود . ابتدا در آن ممالک اروپا که سردار آنها بوده وقتی که وارد میشدند اهالی از آنها تا حدی احترام کرده پذیرائی مینمودند و ای وقتی که ببلغار رسیدند رعایای نیم مسیحی آنجا حاضر نشدند که به پیر سورات مجانی بدهند و این سلوک باعث خشم جمعیت

۱- Danube. ۲- Tibre. ۳- Gauthier.

شده این حامیان دین بدون هیچ تأملی امر کردند که آنچه لازم دارند از مردم بزور و جبر گرفته و بالاخره شروع بقتل و غارت دهات و قصبات نمودند. رعایای آنجا که بدینگونه تعدیات عادت نکرده بودند دست دراز کرده برای گرفتن انتقام، هزاران ازین اشخاص را کشته و در آب غرق کردند و بقیه جز فرار چاره دیگری ندیدند و وقتی که بقسطنطنیه که آن وقت در نهایت درجه خرابی بود وارد شدند آنها مجاهدین توتون، کاسکن، گالوا (۱)، پروانس (۲) را در آنجا ملاقات نمودند که قبلاً وارد شده بودند. لشکر صلیب ملحق باین اقوام نیم وحشی شده و در تعقیب قتل و غارت زیاد مرتکب شایعی گردیدند که خامه از ذکر آن شرم مینماید. اهالی محض اینک از چنگ آنان خلاص شوند کشتیها را برای عبورشان ازبغاز فوراً حاضر نمودند.

قریب یکصد هزار نفر از این جمعیت به آسیای صغیر رسیدند و آنها در این حدود نسبت با اهالی اعم از مسلم و عیسوی، افعال و حرکات وحشیانه ای را مرتکب شدند که در بدان آن غیر از این چیزی نمیتوان گفت که آنها حقیقتاً دیوانه شده بودند. آنکومن (۳) دختر امپراطور قسطنطنیه نقل میکند که منجمه از تفریحات آنها این بود هر طفلی که از جلو شان میگذشت او را با حربه دونیمه کرده در آتش میسوزانیدند. اثر آن هم واقعاً خوب از ایشان انتقام گرفتند، چه آنها را مانند جانوران درنده تعاقب کرده آنقدر کشتند که از استخوانشان هر مان معظمی بنا نمودند.

لشکر اول صلیبیان که از صدها هزار نفوس تشکیل یافته بود بکلی نیست و نابود شده لیکن از عقب نیروی منظمی زیر فرمان یکی از سرداران نامی اروپا میآمد که حتی برای اعراب هم هیچوقت چنین سپاه منظم و مهمی فراهم نشده بود. دستجات نامبرده بالغ بر هفتصد هزار مردان مسلح و بچندین دسته تقسیم شده بودند که يك دسته آن تحت سرداری گودفروای دوبویلون (۴) و دوک دو بایس لورن (۵) مرکب از هشتاد هزار نفر از اهالی باوار و ساکسون (۶) تشکیل یافته بود.

صلیبیان به آسیای صغیر وارد شدند (۷) را محاصره نمودند و آنها قشون ترک را شکست داده و سرهای تمام مجروحین را بریده بترك اسبهای خود محکم بسته با

۱- Teutons, Gascons, Gallois ۲- Provençauy. ۳- Anne Comnène

۴- Godefroy de Bouillon ۵- Due de Basse-Lorraine .

۶- Bavarois, Saxons , ۷- Nicée.

کبر و نخوتی تمام بار دوگاه خود برگشتند و از بالای حصار تمام سرها را بطرف شهری که در محاصره بودند اداختند. این حرکت موجب هیچان اهالی شده و پشاهنشاه قسطنطنیه پناهنده شدند و صلیبیان مجبور گردیدند محاصره را برداشته عقب نشستند البته از اینجائنا شام دو بیست فرسخ باقیمانده بود و صلیبیان بجای آنکه با رعایا و سکنه محل مدارا کنند. برای جمع آوری سیورسات دست بغارت و تاراج دراز نمودند و چیزی نگذشت که دچار قحط و غلا و ناخوشی گردیدند و پیر هم مأیوس شده از این میانه گریخت و در رفت ولی بعد او را تعاقب نموده دستگیرش کردند و **تانگرد** (۱) او را با چوب خیل زد و در همین اثناء مشغول نزاع و جنگ داخلی شدند و بین **تانگرد** و **بودوئن** (۲) دو نفر سردار جنگ شروع گردید و بالاخره **بودوئن** با سیاه خود جدا شده و علیحدّه مشغول قتل و غارت گردید.

رشته انتظامات سیاهی گسسته شد و اختلال و بی نظمی از حد تجاوز نمود و شماره جاسوسان بدرجه ای رسید که **بوهمون** (۳) حکم داد آنها را ذبح نموده گوشتشان را ضمه سیاهیان قحطی زده کنند و از اینجا میتوان پی برد که حالت روحیه و وضع لشکر تا چه اندازه خراب و فائز آور بوده است.

قبایح اعمال و زردار مجاهدین سلب در تمام این لشکر کشیها حقیقه آنها را در دینف درندهترین و بیشعورترین وحشیهای روی زمین قرار داده بود و رفتار آنان با هم عهد های خود و دشمن رعایای بیگناه، نظامیان، زنان و اطفال و پیر و جوان بکلی یکسان و در یک ردیف قرار گرفته بود یعنی بدون امتیاز همه را غارت کرده بقتل میرسانیدند. خود مورخین بسیاری آن عصر وقایعی را که ذکر نموده اند دلیل قاطعی است بر سفاکت و درندگی آنان. مثلاً **روبرت** راجع بمظالم صلیبیان در شهر مارا (۵) در یک واقعه که شخصاً حضور داشته است شرحی که نوشته ما آن را در اینجا نقل میکنیم که از دیدن و بررسی آن با بررسی حکایات دیگری که در آئینه نقل خواهیم نمود

۱ - Robert ۲ - Baudouin. ۳ - Bohémond. ۴ - Robert
۵ - Marrat.



کاملاً معلوم میشود که طریقه جنگ و جدال صلیبیان چه بوده است. از چنین مینویسد:

« لشکر ما، یعنی مجاهدین صلیب، در گذرها و میدانها و پشت باهها متصل در گشت و حرکت بودند و مثل يك شیر ماده ای که بچه اش را روده باشند از قتل عام لذت میبردند، اطفال را یاره یاره کرده و جوان و پیر را در يك سردیف از دم شمشیر میگذرانیدند و هیچ متنفسی را ابقا نمینمودند و محض تسریع در عمل و اینکه زود تر فارغ شده باشند چندین نفر را بيك ريسمان بدار میآویختند، من از مشاهده این احوال تعجب داشتم که این مردم با اینکه جمعیت آنها خیلی زیاد و اکثر مسلح هم بوده اند چطور بدون هیچ دفاعی جان خود را کف دست گذاشته بقربانگاه حاضر میشوند، جمعیت ما هر چه را که مییافتند فوراً میربودند، شکم مرده ها را یاره کرده پول و جواهرات را که سراغ داشتند بیرون میآوردند.

امان از حرص و طمع، در کوچه های شهر نهر های خون جاری و از چهار طرف لاش های کشتگان دو بهر ریخته از بالای آن عبور مینمودند. آه! کوران سنگین دل، آخر يك روز همه شما خواهید مرد، بین تمام آنها يک نفر هم پیدا نمیشد که بدین مسیح

معتقد باشد، بالاخره بوهمون تمام آنها را که در صحن قصر جمع نموده بود احضار کرده زن و مرد، پیر و بیمار و ناتوان و بیکاره را تماماً از دم شمشیر گذرانید و بقیه که